

# دعا و درمان با کتاب و سنت

تألیف:

سعید بن علی بن وهف قحطانی

## مقدمه

حمد و ستایش خاص خداوند است او را سپاس می‌گوییم و از او استعانت و استغفار می‌طلبیم، و از بدی‌های درون و زشتی‌های نهان به او پناه می‌بریم. هر که را خدایش هدایت کند او را گمراه‌کننده‌ای نیست و هر که او گمراهش کند او را هدایت‌گری نیست و گواهی می‌دهم که معبود به حقی جز خداوند نیست یگانه است و او را شریکی

نیست و گواهی می‌دهم که محمد ص بنده‌ی و رسول  
اوست. درود و سلام فراوان بر او و آل و یاران  
او باد.

اما بعد:

این خلاصه‌ای از کتابیم «الذکر و الدعاء والعلاج بالرقی»  
می‌باشد که بخش دعای آنرا مختصر نمودم، تا  
بهره‌گیری از آن آسان گردد و دعاها و نکته‌های  
سودمند به آن اضافه نمودم، و خداوند را با  
اسماء نیک و صفات عالیه اش فرا می‌خوانم که  
آنرا محض رضای خود قرار دهد، و او ولی و بر  
آن قادر و تواناست.

درود و سلام خداوند بر پیامبر ما محمد ص

مؤلف

در ماه شعبان 1408 هـ تحریر گردید



بدی و شری همچون خواسته او را از وی باز دارد، صحابه گفتند : پس ما بیشتر دعا می‌نماییم. پیامبرص فرمود: خداوند بیشتر است»<sup>1</sup>.

### آداب دعا و اسباب اجابت

- 1 - اخلاص برای خداوند.
- 2 - دعا با حمد و ستایش خداوند آغاز گردد سپس با درود بر پیامبرص و ختم آن با درود بر او.
- 3 - قاطعیت در دعا و باور یقینی به اجابت آن.
- 4 - اصرارورزی در دعا و عدم شتاب.
- 5 - حضور قلب در دعا.
- 6 - دعا در آسایش و سستی.
- 7 - تنها از خداوند درخواست کردن.
- 8 - پایین آوردن صدا به طوری که بین پایین بودن و بالا بودن باشد . (خفص الصوت بالدعاء بین المخافته والجهر)
- 9 - اعتراف به گناه و طلب استغفار از آن و اعتراف به نعمت و شکرگذاری بر آن.
- 10 - عدم تکلف در آوردن کلمات موزون در دعا.
- 11 - دعا کردن با خشوع و زاری و امید و ترس.
- 12 - جرگرداندن اموال و دارایی غضب شده به صاحبانش همراه با توبه.
- 13 - سه بار دعا کردن.
- 14 - رو به قبله بودن.
- 15 - جلند کردن دستها در دعا.

1. ترمذی، 566/5 و 462/5 و احمد 18/3، نگاه : صحیح الجامع، 116/5، و ترمذی، 140/3.

- 16 - وضوء داشتن هنگام دعا در صورت امکان آن.
- 17 - عدم تجاوز و تعدی در دعا.
- 18 - هرگاه دعا کننده برای دیگری دعا نمود دعا را برای خود شروع نماید.
- 19 - با اسماء حسنی و صفات عالییه خداوند و یا با کردار نیکی که خود به آن پرداخته است و یا با دعای مرد زنده ای که پیش او حضور دارد به خداوند متوسل شود.
- 20 - خوراک، نوشیدنی، و پوشش او از حلال باشد.
- 21 - به گناه و یا قطع صله رحم دعا نکند.
- 22 - امر به معروف و نهی از منکر نماید.
- 23 - دوری جستن از همه گناهان.

### اوقات و حالتها و مکانهایی که دعا در آنها اجابت می‌گردد<sup>1</sup>

- 1 شب قدر
- 2 در دل شب
- 3 بعد از نمازهای فرض
- 4 میان اذان و اقامه
- 5 ساعتی از هر شب
- 6 هنگام اذان برای نمازهای فرض
- 7 هنگام باریدن باران
- 8 هنگام آماده شدن برای جهاد در راه خداوند
- 9 ساعتی از روز جمعه
- 10 - و ارجح ترین اقوال در مورد اوقات اجابت دعا، آخرین ساعت از ساعتهای عصر روز جمعه و چه بسا هنگام خطبه و نماز باشد.

---

1. به اصل کتاب مراجعه شود، ص 101-118.



- 24 - دعای مظلوم بر علیه آنکه به او ظلم کرده است.
- 25 - دعای پدر برای فرزند و بر علیه فرزندش
- 26 - دعای مسافر
- 27 - دعای روزه دار تا هنگامی که افطار می‌کند
- 28 - دعای روزه دار هنگام افطار
- 29 - دعای نیازمند
- 30 - دعای امام عادل
- 31 - دعای فرزند نیکوکار برای والدینش
- 32 - دعا بعد از وضو گرفتن با دعای مأثور درباره وضو
- 33 - دعا بعد از رمی جمره (حج) کوچک
- 34 - دعا بعد از رمی جمره میانه
- 35 - دعا در درون کعبه و هر کسی در داخل حجر دعا و نماز خواند آن هم جزء بیت است.
- 36 - دعا کردن بر روی کوه صفا
- 37 - دعا بر روی کوه مروه
- 38 - دعا در مشعرالحرام
- و فرد مؤمن هر کجا باشد پروردگار خویش را فرا می‌خواند همچنانکه قرآن می‌فرماید:
- ﴿ذٰنَا نَا نَهْ نُوْنُو نُوْنُو نُوْنُو نُوْنُو نُوْنُو﴾ البقرة: ۱۸۶
- «هرگاه بندگانم از تو در مورد من بپرسند من نزدیکم و دعای دعاکننده را هرگاه مرا بخواند پاسخ می‌گویم» ولیکن این اوقات و احوال و اماکن به عنایت بیشتری متمایز گشته اند.

### دعاهایی از کتاب و سنت







۱. ۱۲۹: التوبة: ۱۲۹  
 ۲. ۲۲: القصص: ۲۲  
 ۳. ۲۱: القصص: ۲۱

- 1 خدایا! در دنیا و در آخرت به ما حسنه و نیکی عطا کن و مرا از عذاب آتش نجات ده.<sup>1</sup>
- 2 خدایا! به تو پناه می‌برم از فتنه جهنم و عذاب جهنم، فتنه قبر، و عذاب قبر، و شرّ فتنه ثروتمندی، و شرّ فتنه فقر.
- 3 خدایا! از شرّ فتنه دجال به تو پناه می‌جویم، خدایا درونم را با آب برف و تگرگ شستشو ده، و همچنانکه لباس و پارچه سفید را از آلودگی پاک نموده ای درونم را نیز از خطایا پاک کن، همانطور که میان مشرق و مغرب فاصله ایجاد کرده ای میان من و خطاهایم نیز دوری و فاصله به وجود آور . خدایا! من از کسالت و گناه و زیان به تو پناه می‌برم.<sup>2</sup>
- 4 خدایا من از ناتوانی و ضعف و ترسویی و پیری و بخل ورزی به تو پناه می‌برم و از عذاب قبر و از فتنه و امتحان زنده شدن و مردن به تو پناه می‌آورم.<sup>3</sup>

1. بخاری، 163/7 و مسلم 2070/4.  
 2. بخاری، 59/7 و مسلم 20774.  
 3. بخاری، 155/7 و مسلم 2080/4.

- 5 خدایا! من از فشار مصیبت و رسیدن به شقاوت و بدبختی و عاقبت شری و کینه‌توزی دشمنان به تو پناه می‌آورم.
- 6 خدایا! دینم را که سبب لغزش ناپذیری در زندگی است و دنیایم را که معیشتم در آن است اصلاح کن و آخرتم را که معادم در آن قرار گرفته است اصلاح کن، و زندگی و حیاتم را در تمام خیر و نیکی افزایش ده و مرگ را برایم از هر شرّ و سختی دیگر آسان تر کن.<sup>1</sup>
- 7 خدایا! هدایت و پرهیزگاری و عفت و بی‌نیازی را از تو می‌طلبم.<sup>2</sup>
- 8 خدایا! از ضعف و کسالت و ترسویی و بخل‌ورزی و پیری و عذاب قبر به تو پناه می‌برم، خدایا! تقوای لازم را به نفسم عطا بخش، و آنرا تزکیه و پرورش ده تو بهترین کسی هستی که آنرا پاک و تزکیه می‌نمائی، تو سرپرست و صاحب آن می‌باشی خدایا من از علم بی‌سود و فایده و از قلب بی‌خشوع و از نفس سیرناپذیر و دعای بی‌جواب به تو پناه می‌آورم.<sup>3</sup>
- 9 خدایا! مرا هدایت و محکم کن، خدایا! هدایت و استحکام را از تو می‌طلبم.<sup>4</sup>
- 10 - خدایا! از زایل شدن نعمت تو و از بین رفتن تندرستی تو، و ناگاه گرفتن عذابت و تمام خشم‌هایت به تو پناه می‌آورم.

1. مسلم، 4/2087.

2. مسلم، 4/2087.

3. مسلم 4 / 2088

4. مسلم 4 / 2090

- 11 - خدایا از شر آنچه انجام داده ام و از شر آنچه را که انجام نداده ام به تو پناه می‌جویم.<sup>1</sup>
- 12 - خدایا به مال و فرزندم فزونی بخش و در آنچه که به من داده ای برکت قرار ده<sup>2</sup>: و حیاتم را بر طاعت خود ط ولانی کن و کردارم را نیک گردان و مرا ببخشای.<sup>3</sup>
- 13 - نیست معبودی به حقی جز خداون د جلیل و بردبار هیچ معبود به حق جز خداوند پروردگار عرش عظیم نیست هیچ معبودی جز خداوند پروردگار آسمانها و پروردگار زمین و پروردگار عرش بلندمرتبه نیست.<sup>4</sup>
- 14 - خدایا رحمت تو را می خواهم لحظه ای مرا به نفسم واگذار مکن و تمام حالاتم را اصلاح کن معبود به حقی جز تو نیست.
- 15 - هیچ معبود به حقی جز تو نیست پاک و منزهی من از ستم‌کنندگان.
- 16 - خدایا! من بنده تو و پسر بنده تو و پسر کنیز تو می‌باشم. تحت سلطه و قدرت تو می‌باشم. حکم تو در مورد من قطعی است، و قضاوتت درباره ام عادلانه است و تو را با هر نامی که خود را به آن خوانده ای و یا در کتاب خود نازل فرموده ای یا آنرا به هر کسی از مخلوق خود یاد داده ای و یا هر نامی که در علم غیب برای خود اختصاص

1. مسلم، 2097/4.

2. بخاری، 154/7 و مسلم، 1928/4.

3. بخاری، 154/7 و مسلم، 2092/4.

4. ابوداود، 224/4، و احمد، 431، و البانی آنرا حسن دانسته است.

- داده‌ای درخواست و طلب می‌نمایم اینک قرآن را بهار درون و نور سینه‌ام و بیرون راندن اندوه و بردن رنج و غصه‌ام قرار دهی.<sup>1</sup>
- 17 خدایا! ای دگرگون کننده دلها! قلبهای ما را بر طاعت خود دگرگون فرما<sup>2</sup>
- 18 - ای دگرگون کننده دلها! قلبم را بر دینت استوار نما.<sup>3</sup>
- 19 - پروردگارا! تندرستی در دنیا و آخرت را از تو می‌خواهم.
- 20 - خدایا! فرجام تمام کارهایمان را نیک گردان، و از خواری دنیا و عذاب آخرت مرا دور بدار.
- 21 پروردگار من، مرا یاری نما و بر علیه من یاری و کمک نفرما و مرا پیروز گردان و بر من پیروز مگردان، برای من چاره کن و بر علیه من حيله نکن. و مرا هدایت ده و هدایت را به سوی من هموار کن، و مرا بر آن که بر من تجاوز کرده است پیروز گردان و پروردگارا مرا برای خود بسی شکرگزار و بسی ذاکر و بسی ترسان و بسی اطاعت کننده قرار ده، و به سوی تو فروتن و نالان و رجوع کننده باشم، پروردگار من! توبه‌ام را بپذیر، لغزش و گناهم را بشوی، و دعایم را اجابت کن، و حجت‌م را استوار و محکم نما، و قلبم را

1. احمد، 391/1، 452 و حاکم، 509/1.

2. مسلم، 2045/4.

3. ترمذی، 538/5 و احمد، 182/4 و حاکم، 525/1 و 528 و صحیح الجامع، 309/6، و ترمذی، 171/3.

- هدایت کن، زبانم را هدایت کن، دوده و کینه  
 درونم را بیرون بیا.<sup>1</sup>
- 22 - خدایا! ما از خیر آنچه که پیامبرت  
 محمدص از تو خواسته است درخواست  
 می‌نمائیم، از شر آنچه که پیامبرت محمدص  
 به تو پناه جسته است پناه می‌جوئیم، و تو  
 کسی هستی که از تو استعانت می‌کنند، هیچ  
 قدرتی بالاتر از قدرت خدا نیست.
- 23 - خدایا! از شر گوش، چشم، زبان، قلب،  
 خواسته و سرنوشتم به تو پناه می‌برم.
- 24 - خدایا! از دچار شدن به بیماری برص  
 (پسی) و دیوانگی و جذام (خوره) و از  
 بیماری‌های پلید به تو پناه می‌برم.
- 25 - خدایا! از اخلاق و کردار و آرزوهای  
 ناپسند به تو پناه می‌جوئیم.
- 26 - خدایا! بی‌گمان تو بسی بخشنده و  
 بلندمرتبه‌ای عفو و بخشش را دوست می‌داری  
 پس مرا عفو کن.<sup>2</sup>
- 27 - خدایا! انجام نیکی‌ها و ترک  
 ناروایی‌ها و دوستی بینوایان را از تو در  
 خواست می‌نمایم. و از تو می‌خواهم که مرا  
 ببخشید و به من رحم نمائید و هرگاه اراده  
 عذاب و ضلالت قومی را نمودی مرا بدون عذاب  
 و محنت بمیران، عشق و علاقه به تو و حبّ

1. ابوداود، 83/2 و ترمذی، 554/5 و ابن ماجه، 1259/2،  
 و حاکم آنرا صحیح دانسته و ذهبی نیز با آن موافق  
 بوده و به صحیح الترمذی، 178/3 مراجعه شود و احمد،  
 127./1.

2. ترمذی، 534/5، تحقیق ابراهیم عطوه، چاپخانه مصطفی  
 الیابی.

آنکه تو را دوست می‌دارد و عشق به کرداری  
که مرا به سوی دوستی تو نزدیک گرداند از  
تو خواستارم.<sup>1</sup>

28 - خدایا! تمام خیر دنیا و آخرت آنچه  
را از آن آگاهم و آنچه را که از آن آگاه  
نیستم از تو خواهانم. و از شر دنیا و  
آخرت و آنچه که از آن آگاهی یافته و یا  
آگاهی نیافته‌ام به تو پناه می‌برم،  
خدایا! از خیر آنچه بنده و پیامبرت محمدص  
از تو جسته است را خواهانم، و از شر آنچه  
که پیامبرت محمدص از آن به تو پناه جسته  
است، پناه می‌آورم.

خدایا! بهشت و گفتار و کرد ارهایی که بدان  
«مرا به تو» نزدیک میکند را خواستارم و از  
آتش و گفتار و کرداری که بدان «مرا به  
جهنم» نزدیک می‌نماید به تو پناه می‌برم، و  
از تو تقدیر و سرنوشت خیر و نیکی را  
خواهانم.<sup>2</sup>

29 - خدایا! در حالت ایستاده و نشسته و  
خوابیده مرا با اسلام حفظ نما و دشمن و  
حسود را به من شاد و مسرور نگردان،  
خدایا! تمام خیرها را که خزانه آن در دست  
توست از تو می‌طلبم و از شرهایی که خزائن آن  
در دست توست پناه می‌برم.<sup>3</sup>

1. احمد، 243/5 و ترمذی، 365/5.

2. ابن ماجه، 1264/2 و احمد 134/6، ذهبی، 521/1، ابن  
ماجه، 327/2.

3. حاکم، 525/1، صحیح الجامع، 398/2 و الاحادیث  
الصحیحه، 54/4، شماره 1540.

30 - خدایا! از حیث خود آنچه که ما را از گناه و معاصی تو باز می‌گرداند و از یقین آنچه که با آن گرفتاریهای دنیا بر ما سبک آید، و از طاعت آنچه که ما را به بهشت تو نایل گرداند نصیبمان فرما، خدایا! تا وقتی که ما را زنده نگه داشته‌ای ما را از گوش و چشم و توانایی‌هایمان برخوردار کن، انتقام ما را بر کسی که به ما ستم نموده قرار ده و ما را بر کسی که با ما عداوت و دشمنی نموده و گرفتاریم ان را در دینمان قرار نده، دنیا را بزرگترین هدف و دغدغه‌ی ما قرار نده. کسی را که به ما رحم نمی‌کند بر ما مسلط مگردان.<sup>1</sup>

31 - خداوندا! از ترسویی به تو پناه می‌برم و از بخل به تو پناه می‌برم و از پیری به تو پناه می‌جویم و از فتنه دنیا و عذاب قبر به تو پناه می‌برم.<sup>2</sup> خدایا! گناه عمدی، نادانی و زیاده روی در گناه و آنچه که تو از من به آن آگاه تری مورد بخشش قرار ده. خداوندا! گناهی را که با شوخی و جدی و اشتباهی و عمدی از من سر زده است و تمام گناهایی که دارم برای من ببخشای.<sup>3</sup>

32 - خدایا! ظلم و ستم فراوانی به خود کرده‌ام جز تو کسی گناهان را نمی‌بخشد از مغفرت خود مرا مورد بخشش قرار ده و به من

1. ترمذی، 528/5، حاکم، 258/1، ابن سنی، شماره 446.

2. بخاری، با فتح الباری، 181/11.

3. بخاری، با فتح الباری، 196/11.



رحم کن . بی‌گمان تو بسی بخشنده و مهربان هستی.<sup>1</sup>

- 33 - خدایا! برای تو سر تسلیم فرود آوردم، و به تو ایمان آوردم، و بر تو توکل نمودم و به سوی تو برگشتم و به تو اقامه دعوی نموده‌ام، خدایا! از اینکه مرا گمراه گردانی پناه می‌برم قسم به عظمتت هیچ معبود به حقی نیست جز تو، تو زنده ای هستی که نمی‌میرد و جن و انس می‌میرند.
- 34 - خدایا! ما موجبات رحمتت را و اراده غفرانت و دوری و سلامت از هر گناهی و بهره بردن از هر نیکی و دستیابی به بهشت و نجات از آتش جهنم را از تو طلب می‌کنیم.<sup>2</sup>
- 35 - خدایا! فراوان‌ترین روزی‌ات را هنگام پیری و خاتمه‌یافتن عمرم بر من قرار ده.<sup>3</sup>
- 36 - خدایا! گناهم را ببخش، و سرایم را وسعت بخش، و در روزیم برکت قرار ده.<sup>4</sup>
- 37 - خدایا! از فضل و رحمتت از تو می‌طلبم جز تو کسی بر آن مالک نیست.
- 38 - خدایا! از لغزیدن و هلاک شدن و غرق شدن و سوزاندن به تو پناه می‌آورم، و از اینکه شیطان هنگام مرگ سرگردانم کند به تو پناه می‌آورم و از اینکه در راه تو با حالت پشت‌کننده و برگرداننده بمیرم به تو پناه می‌آورم و از اینکه هنگام مرگ با

1. بخاری، 304/1، و مسلم، 2078/4.

2. حاکم، 525/1، اذکار نووی، ص 340.

3. حاکم، 524/1، صحیح الجامع 3691/1، الاحادیث ال صحیح .1539

4. احمد، 375/5963/4، نگا : صحیح الجامع، 399/1.

- حالت رنجانده و گزیده بمیرم به تو پناه می‌جویم.
- 39 - خدایا! از گرسنگی به تو پناه می‌آورم، بی‌شک او همبستر ناشایست و بدی است و از خیانت به تو پناه می‌آورم همانا آن جامه بدی است.
- 40 - خدایا! از درماندگی، کاهلی، ترسویی، خست، کهولت، قساوت و سنگدلی، غفلت، تنگدستی، خواری، بینوایی، به تو پناه می‌جویم و از فقر، کفر، هرزگی، تفرقه، نفاق، بی‌آبرویی و ریا به تو پناه می‌آورم، و از کوری، لالی، دیوانگی، جذام، پیسی و بیمارهای بدخیم به تو پناه می‌آورم.<sup>1</sup>
- 41 - خدایا! از فقر، تنگدستی، و خواری به تو پناه می‌آورم و از اینکه ستم کنم و یا مورد ستم قرار گیرم به تو پناه می‌آورم.<sup>2</sup>
- 42 - خدایا! از همسایه‌ی بد در سرای جاویدان به تو پناه می‌برم، بی‌گمان همسایه‌ی صحرا (دنیا) به پایان می‌رسد.<sup>3</sup>
- 43 - خدایا! از قلب بی‌خشوع و از علم بی‌ثمر و از دعاهای بی‌جواب و از نفس سیرنشده‌ی به تو پناه می‌جویم، از این چهار شیء به تو پناه می‌جویم.

1. حاکم، بیهقی، و صحیح الجامع (406/1) و ارواء القلیل شماره 852.

2. نسائی و ابوداود 91/2 و نگا: صحیح النسائی 1111/3 و صحیح الجامع 407/1.

3. حاکم 532/1 و ذهبی آنرا صحیح دانسته است، صحیح الجامع 408/1 و صحیح النسائی 1118/3.

- 44 - خدایا! من به تو از روز بد، شب بد، ساعت (وقت) بد، رفیق سوء، همسایه ناشایست در سرای باقی و جاویدان به تو پناه می‌برم.
- 45 - خدایا! جنت را از تو می‌طلبم و از آتش جهنم به تو پناه می‌آورم. (3 بار)
- 46 - خدایا! در دین آگاهم کن.<sup>1</sup>
- 47 - خدایا! از اینکه آگاهانه به تو شرک بورزم به تو پناه می‌آورم و از آنچه هم که ناآگاهانه باشد به تو پناه می‌آورم.<sup>2</sup>
- 48 - خدایا! به آنچه که به من یاد داده ای نفع برسانم، و آنچه به من سودی رساند مرا بیاموز، و علم مرا بیفزای.
- 49 - خدایا! من از تو علم سودمند، روزی حلال و عمل پذیرفته شده مسألت می‌نمایم.
- 50 - خدایا! ای یگانه یکتا! بی‌نیازی که نزاده است و زاده نشده است و کسی هم‌تا و همگون او نمی‌باشد از تو می‌خواهم که گناهانم را ببخشایی، بیگمان تو بسی بخشنده و مهربان هستی.
- 51 - خدایا! از تو می‌خواهم که حمد و سپاس خاص توست، هیچ معبود بحقی جز تو نیست [تنهایی و تو را شریکی نیست]، ای صاحب شکوه و کرامت! ای زنده باقی پایدار! من

1. طبرانی و هیثمی در مجموع زوائد، 144/10 گفته است رجال این حدیث رجال صحیح اند. نگا: صحیح الجامع، 411/1.

2. به روایت احمد، 403/4 و غیره، نگاه: صحیح الترغیب و الترهیب، ناصر الدین آلبانی، 19/1.

از تو بهشت را می طلبم و از آتش جهنم به تو پناه می برم.

52 - خدایا! از تو درخواست می کنم به اینکه من گواهی می دهم که تو خدایی، معبود به حق جز تو نیست. یگانه و بی نیازی که نزاده است و زاده نشده است و کسی همتا و همگون او نمی باشد.

53 - پروردگارا! مرا ببخش، و توبه ام را بپذیر، بی گمان تو بسی توبه پذیر و بسی بخشنده ای.<sup>1</sup>

54 - خداوندا! با علم غیب خود و قدرتت بر خلق، تا وقتی که می دانی که حیات برای من خیر است زنده ام نگه دار و هرگاه دانستی، مرگ برایم خیر است مرا بمیران، خداوندا! ترس و خشیت تو را در نهان و آشکار مسألت می کنم و در حال غضب و شادی رعایت گفتن حق را از تو طلب می نمایم و میانه روی در بی نیازی و تهیدستی از تو می خواهم و از تو نعمتی می خواهم که تمام شدنی نباشد، و از تو لذتی می خواهم که بی وقفه و پیوسته باشد، و بعد از آمدن گرفتاری رضایت را از تو می طلبم، خدایا بعد از مرگ، آرامش زندگی را از تو می خواهم، خدایا! لذت نگاه به وجه و سیمایت و شوق لقای تو را بدون اینکه در فلاکت زیربنایی و فتنه گمراه کننده ای بیفتم از تو خواهانم، خدایا! مرا به زینت و زیبایی ایمان

1. ابو داود، 79/2 و ترمذی، 515/5 و ابن ماجه، 1267/2 و احمد، 360/5 - و سنن الترمذی 163/3.

آراسته گردان، و ما را جزء راهنمایان  
هدایت یافته قرار ده.<sup>1</sup>

55 - خدایا! دوستی و حبّ خود و حبّ کسی که  
دوستی او نزد تو به من سود رساند نصیبم  
کن، خداوندا! از دوستی هایی که به من  
ارزانی داشته ای آنرا برای من سبب قوّت  
بخشیدن به آنچه که تو دوست می داری قرار  
ده، خدایا! آنچه را که من دوست می دارم و  
آنرا از من پنهان و مخفی داشته ای آنرا در  
تکمیل حبّ آنچه که ه دوست می داری برای من  
قرار ده.<sup>2</sup>

56 - خدایا! از گناه و خطاها پاکم گردان،  
خدایا! از آنها پاکم کن همچنانکه جامه  
سفید از چرک پاک می گردد، خدایا! با برف و  
تگرگ و آب خنک پاکم گردان.<sup>3</sup>

57 خدایا! از بخل ورزیدن و ترسویی و عمر  
بد، و فتنه قلب و عذاب قبر به تو پناه  
می برم.<sup>4</sup>

58 خدایا! ای پروردگار جبرئیل و میکائیل و  
پروردگار اسرافیل! از گرمای سوزان جهنّم و  
از عذاب قبر به تو پناه می آورم.<sup>5</sup>

59 خدایا! طریق هدایتم را به من نشان ده،  
و از شر نفسم پناهم ده.

---

1. النسائی، 54/3، 55 و احمد 364/4، صحیح النسائی،  
280/1 و 281/1.  
2. ترمذی، 523/5 و جامع الاصول، تحقیق : عبدالقادر  
أرناؤوط 341/4.  
3. نسائی، 198/1 و 199، و ترمذی، 515/5، صحیح سنن  
النسائی 86/1.  
4. نسائی، 255/8 و ابوداود، 9/2، جامع الاصول 363/4.  
5. نسائی، 278/8 و صحیح نسائی 1121/3.

60 خدایا! علم سودمند را از تو درخواست می‌نمایم و از علم بی‌سود و ثمر به تو پناه می‌برم.

61 خدایا! ای پروردگار آسمانهای [هفتگانه] و پروردگار زمین و عرش والا! پروردگار ما و پروردگار تمام اشیاء، شکافنده و رویاننده دانه و هسته و فرودآورنده تورات و انجیل و قرآن؛ از شرّ هر چیزی که در پنجه قدرت توست به تو پناه می‌آورم، خدایا! ای نخستین هستی که قبل از تو چیزی نبوده است و ای واپسین هستی که بعد از تو چیزی نیست و تو نمایانی هستی که چیزی تو را نمی‌پوشاند و نهانی هستی که نهان تر از تو چیزی نیست؛ دین و بدهی را از ما ادا کن و ما را از فقر بی‌نیاز گردان.<sup>1</sup>

62 خدایا! میان دل‌هایمان الفت به وجود بیاور و اختلاف و ناسازگاری‌هایمان را اصلاح کن، و به راه‌های صلح و دوستی هدایت و راهنماییمان فرما، و از تاریکی‌ها به طرف نور و روشنایی نجاتمان ده. خدایا! ناهنجاریهای آشکار و پوشیده را از ما دور گردان و به شنیداری و بینایی و درونها و همسرانمان و نسل‌هایمان برکت عنایت فرما و توبه را از ما بپذیر، بی‌شک تو بسی توبه‌پذیر و مهربان هستی، ما را سپاسگزار نعمتهایت و ثناگویت و پذیرنده نعمتهایت قرار ده و آنها را بر ما به اتمام رسان.<sup>2</sup>

1. مسلم، 4/2084 به روایت ابوهریره رضی‌الله عنه.  
2. به روایت حاکم و گفته صحیح است بر شرط مسلم و ذهبی با او موافق گشته است، 1/265.

63 خدایا بهترین درخواست و بهترین دعا و بهترین موفقیت، بهترین عمل، بهترین ثواب، بهترین حیات و بهترین مرگ را از تو درخواست می‌نمایم، و مرا استوار گردان، ترازوی نیکی‌هایم را سنگین گردان و ایمانم را ثابت گردان و درجاتم را رفیع گردان و دعا و نمازم را بپذیر و خطایم را ببخش و درجات عالییه بهشت را از تو درخواست می‌نمایم. خدایا! آغازهای خیر و خاتمه‌های آن و اول و آشکار و پن‌هان آنرا و درجات عالییه بهشت را از تو درخواست می‌نمایم [بپذیر و اجابت نمای خداوندا خدایا! بهترین آنچه که می‌آورم و بهترین آنچه که انجام می‌دهم و به آن می‌پردازم و بهترین آنچه که پنهان و نمایان است و درجات بلند بهشت را از تو درخواست می‌نمایم (آمین) اجابت کن ای خداوند.

خدایا! از تو می‌خواهم که نامم را رفیع گردانی و بار سنگین گناهم را فرو نهی، و عالم را نیک گردانی و درونم را پاک نمایی و دامنم را از آلودگی حفظ کنی و قلبم را منور گردانی و گناهم را ببخشایی، و درجات بلند بهشت را از تو درخواست می‌نمایم و خدایا! از تو می‌خواهم که به درون و شنوایی و بینایی و روح و خلق و اخلاق و اهل و حیات و مرگ و کردارم برکت بیفزایی و حسناتم را پذیرا باشی و درجات رفیع بهشت را از تو مسألت می‌نمایم.<sup>1</sup>

1. حاکم آنرا تخریج نموده و ذهبی آنرا صحیح دانسته است، 520/1.

64 خدایا! اخلاق‌های ناروا و هواهای نفسانی و کردارهای نفسانی و ناخوشی‌ها را از من دور بدار.<sup>1</sup>

65 خدایا! به آنچه که به من عطاء و ارزانی داشته‌ای قانعم کن و در آن برکت بیفزای و هر چه را از دست داده‌ام جایگزین آن، خیر نصیبم فرما.<sup>2</sup>

66 خدایا! مرا آسان مورد محاسبه قرار ده.

67 خدایا! ما را بر ذکر و شکر و حُسن عبادت یاری نما.

68 خدایا! ایمانی غیر قابل برگشت و نعمتی تمام نشدنی و هم نشینی با محمد ص را در رفیع‌ترین باغهای بهشت جاویدان را از تو مسألت می‌نمایم.

69 خدایا از شرارت نفس حفظم نما. و خدایا! گناهی را که آشکارا و یا سرّی و یا عمدی و یا اشتباهی و یا آگاهانه و یا ناآگاهانه انجام داده‌ام مورد عفو و بخشش قرار ده.

70 خدایا! از غلبه قرض و دشمن و نیرنگ دشمن به تو پناه می‌برم.

71 خدایا! مرا ببخش و هدایتم نما و از من درگذر، خدایا! از تنگی جایگاه در روز قیامت به تو پناه می‌برم.<sup>3</sup>

---

1. با تخریج حاکم و قائل به صحیح بودن است.  
 2. حاکم، و قائل به صحت آن می باشد بر شرط مسلم و ذهبی با آن موافق است، 532/1.  
 3. سنائی، 209/3، و ابن ماجه، 431/1، صحیح سنن النسائی، 356/1 و صحیح ابن ماجه، 226/1.



72 خدایا از شنوایی و بینائی بهره مندم کن.  
و بر کسی که به من ستم می نماید پیروزم  
گردان و انتقامم را از او بگیری.<sup>1</sup>

73 خدایا! زندگی پاکی را از تو درخواست  
می‌نمایم.

74 خدایا! همه ستایش خاص توست، خدایا!  
آنچه را که تو گسترده‌ای، جمع‌کننده‌ای برای  
آن نیست و آنچه را که تو درهم کشیده‌ای،  
گسترده‌ای برای آن نیست، آنکه را که تو  
گمراه کرده باشی برای وی هدایتگری نیست و  
آنکه را تو ه دایت کرده باشید برای وی  
گمراه‌کننده‌ای نیست و آنچه را که تو منع  
کرده باشی عطاکننده‌ای برای آن نیست و  
آنچه را که تو عطا نموده باشی، منع  
کننده‌ای برای آن نیست و برای آنچه را که  
تو عطا نموده باشی، منع‌کننده‌ای برای آن  
نیست و برای آنچه که تو دور نموده‌ای  
نزدیک‌کننده‌ای نیست و برای آنچه که تو  
نزدیک نموده‌ای دور‌کننده‌ای نیست و از  
برکات و رحمت و فضل و روزی ات بر ما  
گسترده گردان، خدایا! من نعمت پابرجا که  
دگرگون و زایل نگردد از تو درخواست  
می‌نمایم، خدایا! در روز تنگدستی، نعمت و  
در روز خوف و هراس، امنیت را از تو  
درخواست می‌کنم، خداوندا! از آنچه که به  
ما عطا نموده‌ای و از شر آنچه که ما را از  
آن منع نموده‌ای به تو پناه می‌برم و  
خدایا! ایمان را نزد ما محبوب و آنرا در

1. ترمذی تخریج نموده است. نگاه صحیح ترمذی، 188/3 و  
حاکم تخریج نموده.

دل‌هایمان مزین و آراسته گردان و کفر و بدی و سرکشی را نزد ما کریه و زشت گردان و ما را از راه یافتگان قرار ده و ما را با مسلمانی زنده گردان و بدون خواری و گرفتاری مرا به نیکوکاران ملحق نما، خدایا! کافرانی را که پیامبران تو را تکذیب می‌نمایند و از راه تو جلوگیری ممانعت می‌نمایند از بین ببر و خشم و عذاب خود را بر آن قرار ده، خدایا! کافرانی که کتاب (اهل کتاب) دریافت نموده‌اند نابود و از بین ببر، ای معبود بحق.<sup>1</sup>

75 خدایا! مرا مورد بخشش قرار بده، و به من رحم کن، و هدایتم ده و تندرستم گردان و روزی‌ام ده.<sup>2</sup>

76 خدایا! بر ما بی‌فزا و از ما کاهش نده، و مرا اکرام ده و مرا مورد اهانت قرار نده به ما عطا نما و ما را محروم نما و ما را ترجیح و برتری ده و بر ما ترجیح نده، و ما را راضی کن و از ما رضایت حاصل نما.<sup>3</sup>

77 خدایا! استوارم گردان و مرا هدایت دهنده و هدایت‌یافته گردان.<sup>4</sup>

78 خدایا! حکمتی را که به هر کس داده شود، خیر فراوانی به او داده شده است، به من عطا نما.

1. احمد، 424/3.

2. مسلم، 2072/4-2073، 2078/45.

3. ترمذی، 326/5، شماره 3173. حاکم، 98/2، نگاه : جامع‌الاصول، 282/11، شماره 8847.

4. تخریج امام احمد، 68/6، 155، 4031، آلبانی در أرواء الغلیل آنرا صحیح به حساب آورده است (155/1 شماره 74).

اللهم صلِّ و سلِّم على نبينا محمد و على آله و  
أصحابه أجمعين و من تبعهم بإحسان إلى يوم الدين

## اهمیت معالجه با کتاب و سنت

### مقدمه

تمام ستایش‌ها مختص ذات خداوند است، او را ثنا می‌گوییم، و از او یاری می‌جوییم و از او طلب مغفرت و بخشش می‌نماییم، و از شرارتها و بدیهای درون و زشتیهای کردارمان ب‌ه خداوند پناه می‌بریم هر که را خدایش هدایت نماید او را گمراه‌کننده‌ای نیست و هر که را خدا گمراهش نماید او را هدایتگری نیست، و گواهی می‌دهم که معبود بحق جز خداوند نیست، یگانه است و او را شریکی نیست، و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده اوست، درود و تحیت خداوند بر او و آل و یاران او و پیروان راستین او تا روز قیامت.

بی‌گمان معالجه با قرآن و دعا و تعویذهایی که از پیامبرص ثبت و ضبط گردیده است، معالجه سودمند و بهبودی تمام و کاملی است.

ژؤی ی پپر ژفصلت: ۴۴

«بگو قرآن برای مؤمنان مایه راهنمایی و

بهبودی است»

ژؤه ه ه پ ه ه ژالإسراء: ۸۲

«ما آیاتی از قرآن فرو می‌فرستیم که مایه

شفاء و رحمت مؤمنان است»

و حرف (مِنْ) در اینجا برای تبیین جنس است

یعنی اینکه تمام قرآن همچنانکه در آیه ذکر

گردید دارای بهبودی و راهنمایی است، و در

آیه‌ای دیگری می‌فرماید:

ژیدتتت ژڈڈژ ژژ ژکک کژیونس: ۵۷

«ای مردمان از سوی پروردگارتان برای شما

اندرزی و درمانی برای چیزهایی که در

سینه‌هاست آمده است».

پس قرآن مایه بهبودی تمام بیماری‌های روحی و جسمی و دنیوی و اخروی است، هر فردی با داشتن اهلیت و صلاحیت لازم در بهبودیابی و شفاجستن به قرآن به موفقیت نایل می‌گردد، و هرگاه بیمار با روش نیک و از روی صدق و باور و اعتقاد جازم و با رعایت شروط آن به قرآن بیماری خویش را مداوا و معالجه نماید، هرگز بیماری با وی روبرویی نخواهد کرد چگونه بیماری می‌تواند با سخن خدا درآفتد که اگر آنرا بر کوهها فرو می‌فرستاد آنها را تکه تکه و متلاشی می‌نمود، هر کسی خداوند، فهم قرآن را به وی ارزانی داشته باشد تمام بیماری‌های درونی و بیرونی و علت و درمان آنها و پیشگیری از آن را در قرآن می‌یابد، خداوند در قرآن بیماری‌ها و راه درمان دلها و جسم‌ها را ذکر نموده است.

بیماری قلب دو دسته می‌باشند؛ دسته‌ای بیماری تردید و سوءظن است، و دسته دیگر بیماری شهوت و لغزش است.

و قرآن در جاهای متعددی به بیان بیماری درونی و سبب و راه چاره آنها می‌پردازد:<sup>1</sup>  
 زَكُّوْا وُؤُوْا وُؤُوْا وُؤُوْا یٰۤاَیُّهَا الَّذِیْنَ كَفَرُوْا  
 «آیا همین اندازه برای آنان کافی و بسنده نیست که ما این کتاب را بر تو نازل کرده ایم و پیوسته بر آنان خوانده می‌شود مسلماً در این، رحمت بزرگی و تذکر سترگی است».

امام ابن قیم (الجوزیه) می‌گوید: کسی که قرآن او را شفا ننموده باشد خداوند او را شفا و بهبود نبخشد و هر که قرآن او را کفایت

1. زادالمعاد، 6/4 و 3524.

و بسنده نکند خداوند نیز وی را کفایت و بسنده نکند.<sup>1</sup>

و اما بیماری های جسمی: خداوند به ریشه های درمان آنها و منشأ ایجاد و قواعد آن در قرآن کریم اشاره نموده است، به طوری که قرآن اساس و شالودهی آنرا به سه دسته تقسیم کرده است:

- 1- حفظ تندرستی و سلامت
- 2- پیشگیری و مبارزه با عوامل بیماریزا
- 3- استفرغ و تهی نمودن مواد فاسد

بیماری زاء، و چنانچه فرد با روش درست و مناسب با قرآن تداوی نماید بلافاصله اثر بهبودی آنرا می بیند.

امام ابن قیم در کتاب «زادالمعاد» می گوید: مدتی در مکه مریض بودم و طبیب و دارویی جهت مداوا نیافتم، خودم را با سوره حمد معالجه می کردم و تأثیر شگفت آنرا روی خود می دیدم، مقداری از آب زمزم بر می داشتم و چند بار سوره حمد را بر آن می خواندم سپس آنرا می نوشیدم و با آن بهبودی کامل می یافتم و بعد از آن در برابر بسی اری دردها از آن استفاده می بردم و برای کسانی که از درد و رنج می بردند توصیه می نمودم و بسیاری از آنان به سرعت رو به بهبودی می رفتند.<sup>2</sup>

و همچنین معالجه با تفویض و دعا های نبوی مفیدترین داروها می باشند و دعا به شرطی که از موانع بدور باشد سودمندترین ابزار در رفع گرفتاری و حصول خواسته انسان است و مفیدترین دارو می باشد مخصوصاً اگر همراه با التماس و

1. زادالمعاد، 352/4.

2. زادالمعاد، 178/4 و الجواب الکافی، ص 21.

استدعا باشد و دعا دشمن مصیبت و بلاست و آنرا دفع نموده و از فرود آمدن آن ممانعت به عمل می‌آورد و یا اگر هم فرود آید آنرا تخفیف و آسان گرداند<sup>1</sup>. و از ترمذی و حاکم روایت شده است که پیامبرص فرموده است: «دعا از چیزی که فرود آمده است و از آنچه نازل نگشته است سود و فایده می‌رساند پس دعا کردن بر شما لازم و ضروری است»<sup>2</sup>.

و باز می‌فرماید: «قضا را جز دعا باز نگرداند و جز نیکی کردن به طول عمر نیفزاید»<sup>3</sup>، ولیکن در اینجا لازم است به این نکته توجه گردد که آیات و اذکار و دعاهایی با آنها درخواست بهبودی می‌گردد و آنها در نفس خود دارای سود و بهبودی می‌باشند دارای قبولی و توانایی و اثر معالج می‌باشند و اگر تداوی و معالجه با موارد مذکور بهبودی را به دنبال داشت یا بر اثر ضعف تأثیر انجام دهنده آن بوده است و یا به علت عدم قبول فرد مداوا شده و یا به خاطر وجود مانع بزرگی است که از تأثیر در ماده ممانعت می‌نماید، و معالجه با دعا و تعویذ به دو امر تحقق می‌پذیرد:

یکی از سوی مریض و امر دیگر از سوی فرد معالج می‌باشد، و آنچه که بسیار رعایت نماید این است که با تقویت خود و توجه صادقانه به خداوند روی نماید و اعتقاد جازم داشته باشد به اینکه قرآن شفا و رحمت است برای

1. جواب الکافی : 22-25.

2. صحیح الجامع، 153/3، شماره 3403.

3. حاکم و ترمذی و آلبنی آنرا صحیح دانسته است .  
نگاه : سلسله الاحادیث الصحیحه 76/1، شماره 154.

ایمان داران و با قلب و زبان از خداوند پناه جوید، زیرا این عمل یک نوع ستیز و جنگ می‌باشد و فرد ستیزه جو نیز امکان پیروزی بر دشمن برای وی ممکن نمی‌گردد. جز به دو امر نباشد یکی اینکه سلاح در ذات خود سالم و کارایی لازم را داشته باشد و دوم اینکه فرد جنگجو دارای نیرو و وقت لازم جنگ را دارا باشد، و چنانچه یکی از دو امر برای جنگجو فراهم نباشد اسلحه برای وی سود و ارزشی ندارد پس اگر جنگجو فاقد هر دو امر باشد در این صورت چه چیزی برای وی حاصل می‌گردد و همچنین اگر قلب مریض از توحید و تقوا و توجه خدا خالی باشد و سلامتی هم نداشته باشد چگونه انتظار بهبودی را داشته باشد.

و امر دوم که از سوی معالج با کتاب و سنت می‌باشد می‌بایست او نیز دارای دو امر مذکور در وظایف مریض باشد<sup>1</sup>، و به همین سبب ابن التیمیة/گفته است: تعویذ با دعاها و اسماء خداوند داروی روحی است؛ هرگاه بر زبان نیکوکار جاری گردد و با اذن خداوند بهبودی حاصل می‌گردد.

و علما با وجود سه شرط بر جواز تعویذ و دعا اجماع کرده‌اند:

- 1- اینکه با کلام خداوند یا اسماء و صفات او و یا سخن پیامبرص باشد.
- 2- با زبان عربی و یا زبان قابل فهم دیگری باشد.

1. زاد المعاد، 68/4، الجواب الکافی، ص 21.



3 جاور به اینکه دعا ذاتاً تأثیری ندارد بلکه با قدرت خداوند تأثیر می‌کند و آن هم سببی از اسباب بهبودی است.<sup>1</sup>

و به خاطر اهمیت جدی دعا بخش تعویذ را از کتاب (ذکر و دعا و معالجه با تعویذ از کتاب و سنت) خودم خلاصه نمودم و نکته‌های مفیدی نیز به آن افزودم و از خداوند - عزّ و جلّ - می‌خواهم که آن را محض رضای خویش قرار دهد، و به وسیله این اثر به من و کسانی که آنرا خوانده‌اند و یا به چاپ رسانده و یا عامل پخش آن بوده‌اند و همه مسلمانان بهره و نفع رساند.

و صلی الله و سلم و بارک علی نبینا محمد و علی  
آله و اصحابه و من تبعهم بإحسانِ إلی یوم الدین  
سعید بن علی بن وهف القحطانی  
نگاشته شد در تاریخ 1414/6/18 هـ

### 1- علاج سحر (جادو)

علاج الهی برای سحر دو نوع می‌باشد:  
**بخش اول** آنست که قبل از وقوع سحر از آن پیشگیری به عمل آورده می‌شود:

- 1- انجام دادن همه واجبات، و ترک تمام محرمات، و توبه از تمام گناهان.
- 2- افزایش خواندن قرآن کریم به طوری که هر روز وردی<sup>1</sup> (جزیی) از آنرا برای آن قرار داده شود.
- 3- چناه‌جویی از خداوند با دعاها و اذکار .  
 برای شروع در این مورد می‌توان به دعاهای زیر اشاره نمود:  
**«بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»** سه بار در صبح و شبانگاه<sup>2</sup>، و خواندن آیه الکرسی بعد از هر نماز و هنگام خواب و در صبح و شب<sup>3</sup> و خواندن سوره اخلاص و ناس و فلق سه بار در هنگام خواب و صبح و اول شب و گفتن **«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»** هر روز صد مرتبه و رعایت و پرداختن به اذکار زیر : اذکار صبح‌گاه و شام‌گاه، اذکار بعد از نمازها، اذکار خواب و بیدار شدن از آن، اذکار ورود به منزل و خروج از آن، اذکار نشستن بر مرکب، اذکار ورود به مسجد و خروج از آن، و دعای ورود به مستراح و خروج از آن، و غیره و بسیاری

1. ورد : جزیی از قرآن است که انسان آنرا در طول

شبانه روز بخواند، فرهنگ عمید.

2. ترمذی و ابوداود و ابن ماجه، نگا : صحیح ابن ماجه، 332/2.

3. نگا : حاکم و ذهبی، 562/1 و صحیح الترغیب و الترهیب ناصرالدین آلبانی، 273/1، شماره 658.

از آنها را در (حصن المسلم) <sup>1</sup> بر طبق احوال و مناسبات و اماکن و اوقات مناسب ذکر کرده ام، بی‌گمان محافظت و رعایت این اذکار فرد را از ابتلا به سحر و چشم و جن‌زدگی به اذن و رخصت الهی منع می‌نماید و موارد بعد از دچار شدن به این آفتها نیز بهترین اثر را در علاج آنها ایفا می‌نمایند.<sup>2</sup>

4 خوردن هفت خرما با شکم خالی قبل از صبحانه هرگاه ممکن باشد؛ زیرا از پیامبرص روایت شده است که فرموده است : «مَنْ اصْطَبَّحَ بِسَبْعِ تَمْرَاتٍ عَجْوَةً لَمْ يَضُرَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ سَمٌّ وَلَا سِحْرٌ» (هر کسی با خوردن هفت خرما خشک صبحانه نماید در آن روز سموم و سحری به او ضرر نمی‌رسانند) و بهتر اینکه از خرما مدینه باشد و علامه بن عبدالله بن باز/ بر این باور است که تمام خرماهای مدینه دارای این اوصاف می‌باشد. همچنانکه شیخ / بر این باور است که در غیر خرما مدینه هم برای کسی که بخواهد این سنت را عملی نماید نیز شامل این حکم می‌گردد.

1. حصن المسلم : نیز اثری از مؤلف است در 120 صفحه که مجموعه‌ای از اذکار کتاب، سنت می‌باشد که در دمشق - بیروت در دار ابن کثیر به چاپ رسیده است.  
2. زاد المعاد، 126/4 و مجموع فتاوی ابن باز 277/3 و ص 108 از همین کتاب.



و بعد از خواندن آیات مذکور بر آن سه بار از آن بنوشد و با باقیمانده آن غسل نماید و با این عمل اگر خد اوند بخواهد، درد و رنج از بین می‌رود و اگر نیاز بود دوبار یا بیشتر می تواند انجام دهد تا بیمار کاملاً بهبود یابد و این بارها تجربه شده است و مفید هم بوده است.

ب سوره فاتحه و آیه الکرسی را خوانده و دو آیه آخر سوره بقره و سوره اخلاص و سه بار یا بیشتر معوذتین همراه با دمیدن با دست راست محل درد را مسح و مالش دهید.<sup>1</sup>

ج تعاویذ<sup>2</sup> و دعاهای مهم و جامع

1- از خداوند بزرگ پروردگار عرش والا میخواهم که ترا شفاء دهد (7 بار)<sup>3</sup>

2- دست را روی محل درد گذاشته و سه بار می‌گوید: «بِسْمِ اللَّهِ» و «أَعُوذُ بِاللَّهِ وَقَدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ وَأُحَاذِرُ» (7 بار)<sup>4</sup> از شر آنچه که می‌یابم و از آن حذر می‌نمایم به خداوند و قدرت او پناه می‌برم.

- 
1. بخاری با فتح الباری، 62/9 و مسلم، 1723/4 و بخاری با فتح الباری، 108/10.
2. تعاویذ جمع تعویذ بمعنی : دعا کردن، و پناه خواستن، التجا کردن به خداوند متعال توسط اوراد و اذکار مشروع قرآن و سنت صحیح می باشد بخلاف مفهوم مشهور عام که عبارت از آویزان کردن گلو بند و دستبند و ..... می باشد.
3. ترمذی و ابوداود، 187/3 و ترمذی، 410/2، نگا : صحیح الجامع، 180/5 و 322.
4. مسلم، 1728/4.

- 3 خدایا! پروردگار مردم! ناراحتی را ببر  
و شفا ده، تو شفادهنده ای و شفایی جز  
شفای تو نیست، شفایی که به بیماری  
نمی‌گراید.<sup>1</sup>
- 4 -از هر شیطان گزنده ای و از هر چشم بدی  
به کلمات تامه خداوند پناه می‌برم.<sup>2</sup>
- 5 -از شر آنچه خداوند خلق کرده است به کلمات  
تامات خداوند پناه می‌برم.
- 6 -از غضب و عذاب خداوند و شرّ بندگان و از  
وسوسه‌های شیاطین و اینکه نزد من حضور  
یابند به کلمات تامه خداوند پناه  
می‌جویم.
- 7 -از شرّ آنچه که خدا خلق کرده است و از  
شرّ آنچه که از آسمان فرود می‌آید و از  
شرّ آنچه از آن بیرون می‌رود و از شرّ  
فتنه‌های شب و روز و از شر هر کوبنده و  
شبروی، مگر کوبنده باب خیر و نیکی، به  
کلمات تامه ای هیچ نیکوکار و فاجری از  
آن تجاوز نمی‌نماید، پناه می‌برم.<sup>3</sup>
- 8 خدایا! پروردگار آسمانهای هفتگانه و  
پروردگار عرش والا، ای پروردگار ما و  
پروردگار تمام اشیاء، ای شکافنده و  
رویاننده دانه و هسته، فرودآورنده  
تورات و انجیل و قرآن، از شرّ آنچه که  
زمام آن در دست توست به تو پناه  
می‌آورم تو آغازینی هستی که قبل از تو

1. فتح الباری، 206/10 و مسلم، 1721/4.

2. بخاری، مع الفتح، 408/6.

3. سند احمد، 119/3 با اسناد صحیح، و ابن النبی

شماره 637 و مجمع الزوائد، 127/10.

چیزی نبوده است و واپسینی هستید که  
بعد از تو چیزی نخواهد بود و تو  
پنهانی هستی که پنهان تر از تو چیزی  
نیست.<sup>1</sup>

9 چه نام خدا تو را از هر چیز که باعث  
آزارت گردد و از شر هر نفس و یا چشم  
حسودی تو را آزار نماید تعویذ می‌نمایم  
و خداوند شفایت دهد به نام خدا تعویذت  
می‌دهم.<sup>2</sup>

10 - به نام خدا بهبودت بخشد و از هر درد  
الهی شفایت دهد و از شر هر  
هرگاه رشک بورزد و از شر هر صاحب چشم  
بدی شفا و پناهت دهد.<sup>3</sup>

11 - به نام خداوند از هر چیز که آزارت  
می‌دهد و از حسد حسود ترا دعا و تعویذ  
می‌نمایم و از شر هر صاحب چشم حسودی از  
خداوند می‌خواهم بهبودت بخشد.<sup>4</sup>  
این تعاویذ و دعاها، سحر و جن‌زدگی و چشم‌زخم  
و همه بیم‌اریها با آن معالجه می‌گردد اینها  
به اذن خداوند دعاها، جامع و مفیدی می‌باشند.  
**نوع سوم:** خون‌گیری با حجامت از محل یا عضوی  
که اثر سحر بر آن ظاهر گشته است، اگر ممکن  
باشد و چنانچه حجامت ممکن نباشد به کار  
گرفتن آنچه که ذکر شد جهت استعلاج کافی و  
بسند می‌باشد.

1. مسلم، 2084/4.

2. مسلم از ابوسعید رضی الله عنه، 1718/4.

3. مسلم از عائشه (رضی الله عنها)، 1718/4.

4. سنن ابن ماجه از عباد بن صامت رضی الله عنه، نگا :  
صحیح ابن ماجه، 268/2.





نظافت و عطرآگین نمودن و از داروهای طبیعی به شمار می‌آیند.

## 2- علاج چشم زخم

معالجه ابتلا به چشم بد به سه طریق انجام می‌گیرد:

– **قسم اول:** قبل از ابتلا به آن و آن هم

دارای چند نوع می‌باشد:

1 حفظ و نگهداشت فردی که بیم آن می‌رود که مورد حسد چشم بد قرار گیرد با اذکار و دعاها و تعاویذ مشروعه همچون بخش اول از علاج سحر.

2 فردی که از اثر بد چشم خود می‌ترسد و

یا بیم می‌رود که چشم وی بر دیگران اثر بد بگذارد هرگاه از خود یا ثروت و فرزند خود و یا برادر خود چیزی را دید که باعث شگفتی وی گردد در آن حالت به

برکت دعا نماید و بگوید: «**مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَيْهِ**» زیرا از پیامبر ص روایت

شده است که «هر کسی که از شما چیز را از برادر خود ببیند که او را شگفت زده نماید برای وی دعای برکت نماید».

3 پوشاندن محاسن کس که بیم اثر بد چشم بر وی رود.

– **قسم دوم:** بعد از اصابت چشم بد بر فرد که

آنهم دارای انواع گوناگون است:

1 هرگاه چشم زخم زننده شناخته شد امر به

وضو می‌شود سپس فردی که چشم بد بر وی

- اصابت کرده است از آب وضوی وی غسل نماید.
- 2 جه خواندن سورة توحید، و معوذتین و حمد و آیه الکرسی و آیه های آخر سورة بقره و دعاهای مشروعه در تعویذ با دمیدن و مسح محل درد با دست راست بیفزاید همچنانکه در بخش دوم از علاج سحر فقره ج شماره 1 الی 11 بیان گردید.
- 3 سپس بیمار آب دمیده شده را می نوشد و باقیمانده را بر روی خود می ریزد، یا در روغن می خواند و با آن تدهین می نماید و چنانچه در آب زمزم یا آب آسمان خوانده شود بهتر است.
- 4 - ایرادی ندارد اگر آیاتی از قرآن نوشته گردد و بعد از آن شسته شود و بیم ار از آن بنوشد و از جمله آیاتی که در این باره به کار می روند سورة حمد، آیه الکرسی و دو آیه آخر سورة بقره و سورة توحید و معوذتان و دعاهای تعویذ همچنانکه در صفحه های قبل ذکر گردید.
- 1 -** بخش سوم به کار بردن اسبابی که باعث دفع چشم حسود می گردد که عبارتند از:
- 1 - استعاذه و پناه خواستن به خداوند از شر حسود.
- 2 تقوا و ترس از خداوند و رعایت تقوا در امر و نهی خداوند.
- 3 هبر برح سود و گذشت از او و عدم درگیری و شکایت و اذیت او.

- 4 توکل نمودن بر خداوند و هر کسی بر خداوند توکل نماید خداوند برای او کافی و بسنده می‌باشد.
- 5 از حاسد نترسد و ف کر خود را با آن مشغول ننماید و این مفیدترین داروست.
- 6 روی آوردن بر خدا و داشتن اخلاص با او و طلب رضایت او.
- 7 توبه از گناهان چون گناه دشمنان انسان را بر او مسلط می‌گرداند.  
 ژى ږيځ ځ م ئ ئ ئ ئ ئ ځ ځ ځ ځ ځ الشورى: ۳۰  
 «آنچه از مصیبت و بلایا به شما می رسد به خاطر کارهایی است که خود کرده اید، و خداوند از بسیاری (از آن) گذشت می‌کند».
- 8 جه اندازه توان صدقه و احسان نمودن بی‌گمان صدقه و احسان تأثیر شگفتی بر دفع بلا و چشم زخم و شرّ حسود دارند.
- 9 جا نیکی نمودن به حاسد، آتش درون وی را خاموش کنید هر اندازه حاسد به افزودن شرّ و حسد خود پردازد او هم احسان و نیکی و شفقت بر او افزایش دهد و این عمل از هر کسی بر نمی آید مگر آنکه خداوند بهره ای از طرف خود به او داده باشد.
- 10 مجرد نمودن توحید و اخلاص برای خداوند حکیم که چیزی بدون اذن وی سود و ضرر نمی‌رساند و او جامع و مدار تمام اسباب می‌باشد.  
 پس توحید دژ بزرگ خداوند است هر کسی به آن وارد گردد از امنیت و امان‌یافتگان است.

پس با این ده اسبابی که ذکر کردیم شرّ حاسد و چشم‌زخم زننده و ساحر دفع می‌گردد.<sup>1</sup>

### 3- علاج و آمیختگی جنی با انسان

علاج فرد جن‌زده که جن به او وارد شده است و به آن می‌آمیزد دو نوع است:  
**نوع اول: قبل از اصابت است:**

محافظه و رعایت بر تمام فرایض و واجبات و دوری نمودن از تمام محرّمات، و توبه از تمام گناهان و پناه بردن با اذکار و دعاهای مشروع.

### نوع دوم: معالجه بعد از ورود جنی به جسم انسان:

به وسیله مسلمانی که قلب و زبانش با هم هماهنگ باشد و برای فرد مصروع تعویذ می‌دهد دعاهای لازم در این زمینه گفته شود و بزرگترین معالجه با فاتحه الکتاب و آیه الکرسی و دو آیه آخر سوره بقره و سوره توحید و سوره فلق و ناس همراه با دمیدن بر فرد مصروع و سه بار تکرار نمودن آن و یا بیشتر و آیات دیگر قرآنی زی را همه قرآن شفا درونی و شفاء و هدایت است برای ایمان داران و سایر دعاهایی که در بخش دوم از علاج سحر در فقره «ب» و «ج» گفته شد و در این علاج فرد مصروع رعایت و پای‌بندی به دو امر لازم است اول از طرف فرد مصروع درون خود را تقویت نماید و صادقانه به خداوند توجه و روی آورد و با قلب و زبان به خداوند پناه ببرد و دوم از طرف فرد معالج باید تحقق یابد و او نیز وظایف

1. نگا : به بدائع الفوائد ابن قیم الجوزیه 245-238/3.

فرد مصروع را بر عهده دارد و به قول مشهور اسلحه یا زنده آن است و اگر در گوش مصروع اذان گفته شود نیک است زیرا شیطان از آن گریزان می‌گردد.<sup>1</sup>

#### 4- معالجه بیماری‌های درونی

بزرگترین معالجه و درمان بیماری درونی و تنگی و دل‌گرفتگی (سینه) به طور خلاصه عبارت است از:

- 1 هدایت و توحید، همچنانکه گمراهی و شرک بزرگترین اسباب دل‌گرفتگی است.
- 2 خور ایمان واقعی که خداوند در قلب بنده با عمل صالح می‌گذارد.
- 3 علم سودمند، هر اندازه علم بنده وسعت یابد دل و سینه او بازتر و گسترده تر خواهد شد.
- 4 انابه و برگشت به سوی خداوند و یا تمام دل و درون محبت او داشتن و روی آوردن بر او شکر نعمت او با عبادت نمودن وی.
- 5 دوام ذکر در هر حال و هر مکانی، ذکر تأثیر شگفتی در انشراح و گشاده ای صدر و نعمت دل و از بین بردن غم و غصه دارد.
- 6 جا انواع احسان و نیکی به مردم نیکی کردن و سود رساندن به آنان چون فرد بخشنده و نیکوکار از لحاظ سعه صدر برترین مردم است و دارای پاکترین درون می‌باشد.
- 7 شجاعت و دلیری، انسان دلیر دارای سعه صدر و وسعت قلب می‌باشد.

---

1. نگا : فتح‌الحق المبین در علاج سحر و صرع و چشم‌زخم، ص 112، و بخاری، شماره 574.

- 8 جیرون کردن ناراستی های قلب و صفات مذمومه ای که موجب ضیق و شکنجه قلب می‌گردد: مانند حسد، بغض، کینه، دشمنی و نفرت، سرکشی، و از پیامبر ص ثابت گشته است که از او درباره بهترین مردم سؤال شد فرمود: «**کل مخموم القلب صدوق اللسان**» گفت هر که دلپاک و راست‌گفتار باشد بهترین مردم است، گفتار صدوق اللسان می دانیم چیست اما مخموم القلب به چه معناست؟ فرمود: کسی است که متقی و پاک باشد، و گناه و کینه و حسد در وی نباشد.<sup>1</sup>
- 9 ترک نظر و سخن، استماع و آمیختن با مردم، خوردن و خوابیدن زیاد، و اضافه بر نیاز بکار بردن موارد مذکور از جمله اسباب گشایش روح و روان و زدودن غم و اندوه می‌باشد.
- 10 - اشتغال به کار و یا علم مفیدی که قلب را از آنچه که باعث نگرانی و اضطراب آن گشته است مشغول و باز دارد.
- 11 - اهتمام ورزیدن به عملی که به آن مشغول هستید و دوری از تفکر در مورد آینده و افسوس نخوردن برگزیده و یاری خواستن از خداوند برای تحقق نیات حسنه و تلاش بر این راه غم و اندوه را می زداید و باعث آرامش قلب و روان می‌گردد.
- 12 - در تندرستی و معیشت خویش به پایین‌تر از خود بنگرد نه به بالاتر از خود.

1. اخراج از ابن ماجه با شماره 4216، نگا: صحیح ابن ماجه، 411/2.

- 13 - فراموش نمودن مشکلات و ناراحتی هایی گذشته که امکان برگشت و جبران آنها ممکن نباشد نباید درباره آنها اصلاً فکر نمود.
- 14 - هرگاه مصیبتی از مصائب برای شخص پیش آید می‌بایست در تخفیف اثر آن بر خود تلاش بورزد به اینگونه که بدترین احتمال ممکن برای آن فرض کند و با توان و قدرت خویش با آن مقابله کند.
- 15 - تقویت قلب و تسلیم نشدن آن در برابر خیالات و توهمات که افکار بد به وجود می‌آورند و به عصبانیت هم منجر نگردد و توقع نداشته باشد که سختی و گرفتاری زایل گردد و بلکه بر خداوند توکل نماید و خود را به خداوند بسپارد و در پی اسباب سودمند برای دفع گرفتاری هم باشد و از خداوند طلب بخشش و تندرستی بنماید.
- 16 - تکیه و اعتماد بر خداوند همانا کسی که بر خداوند توکل نماید خیالات و توهمات بی‌اساس در وی تأثیر نمی‌کنند.
- 17 - هرگاه فرد به مصیبت و گرفتاری دچار گردد میان گرفتاری موجود و نعمتهای موجود که خداوند به وی ارزانی داشته است مقارنه و تطبیق می‌نماید پی می‌برد که نعمت‌های موجود بیش از مصیبت‌های وارد شده است و بجای تفکر در امور منفی و احتمالات ضرر به افکار مثبت و امیدوار کننده روی آورد.
- 18 - بدانند که اذیت و آزار مردم به او ضرری نمی‌رساند، خصوصاً در گفتارهای ناشایست و بلکه ضرر متوجه گوینده آن می‌گردد لذا فکر و خیال خود را به ضرر احتمالی آن مشغول نکند.

- 19 - فکر خود را در آنچه که سود و نفع دینی و یا دنیوی به بار می آورد به کار بگیرد.
- 20 - انسان در برابر نیکی ها و خوبی هایی که برای دیگران انجام می دهد به دنبال تشکر و سپاسگزاری دیگران نباشد و بلکه آنرا معامله ای میان خود و خدای خود بپندارد و به تشکر طرف مقابل توجه ننماید همانطور که قرآن می فرماید:
- رُتِّفَ فُفُّفَ فُفُّفَ فُفُّفَ فُفُّفَ فُفُّفَ فُفُّفَ فُفُّفَ  
 «ما شما را به محض رضایت خداوند خوراک می دهیم و از شما پاداش و سپاسگزاری نمی خواهیم» و این نوع معامله و عدم انتظار پاداش و سپاسگزاری در مورد خانواده و فرزند بیشتر مورد تأکید است.
- 21 - قرار دادن امور سودمند در برابر چشمان خود و مشغول ساختن ذهن در انجام و تحقق بخشیدن به آنها و عدم تفکر و خیال پردازی در کارهای بی فایده.
- 22 - انجام دادن اعمال کنونی، نینداختن کار امروز به فردا تا برای انجام کارهای آینده نیروی فکر و عمل لازم را داشته باشد.
- 23 - در انتخاب علوم و کارهای مفید، اول مهمترین آنها به ترتیب اهمیت آنها را انتخاب کند و خصوصاً آنچه را که رغبت بیشتری به آن داشته باشد و در انجام آن از خداوند استعانت ورزد و اگر مصلحت اقتضا نمود با دیگران به مشورت بپردازد و با توکل بر خداوند تصمیم نهایی را اتخاذ نماید.



24 - با زبان و قلب به بازگو کردن نعمت‌های مادی و معنوی و سپاسگزاری از آن نعمتها بپردازد زیرا شناخت نعمتها و تحدّث به آنها غم و اندوه را می‌زداید و بنده را بر شکر و سپاس ترغیب می‌نماید.

25 - در برخورد با همسر و خویشان و کسانی که به نحوی در زندگی با وی ارتباط دارند هرگاه از آنها عیب و ایرادی دید آنرا با سایر خصایل نیک و اعمال خوب وی تطبیق نماید تا عیب وی جلب توجه ننماید و از خصلت نیک وی چشم بپوشد با این نوع نگرش ادامه زندگی بیشتر تداوم می‌یابد و فرد از غم و اندوه رها می‌گردد و به شرح صدر نایل می‌آید، و از مسلم روایت است: **«لَا يَفْرَكُ مُؤْمِنٌ مُؤْمِنَةً إِنْ كَرِهَ مِنْهَا خَلْقًا رَضِيَ آخِرًا»**.<sup>1</sup>

هیچ مرد ایمان‌داری، زن ایمان‌داری را طرد و قطع رابطه ننماید اگر از بعضی اخلاق وی ناراضی بود، از اخلاق های دیگر وی راضی می‌گردد».

26 - دعا جهت اصلاح تمام امور و بزرگترین و برترین آنها عبارت است از: **«اللّهُمَّ اصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةٌ أَمْرِي وَ دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي وَ آخِرَتِي الَّتِي إِلَيْهَا مَعَادِي، وَ اجْعَلْ الْحَيَاةَ زِيَادَةً فِي كُلِّ خَيْرٍ، وَ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ»**.<sup>2</sup>

خدایا! دینم را که سبب عصمت و نگهداری از لغزشهاست و دنیا را که محل کسب معاشم می‌باشد و آخرتم را که برگشتم به آن است اصلاح گردان و هر خیری را در زندگی قرار

1. مسلم، 1091/3.

2. مسلم، 2087/4.

دهید و مرگ را از هر شر دیگری برایم آسان گردان و خدایا ! رحمت تو را می طلبم و لحظه ای مرا به نفسم واگذار مکنید و تمام کارهایم را اصلاح کنید هیچ معبود به حقی جز تو نیست.

27 - جهاد در راه خداوند «جاهدوا فی سبیل الله»

جهاد در راه خداوند بابتی از ابواب بهشت می باشد خداوند به وسیله آن غم و اندوه را می زداید و این اسباب و وسایلی را که ذکر کردیم علاج سودمندی است برای بیماری های درونی و بزرگترین سبب معالجه قلق درونی است برای آنکه در آنها تدبّر نماید و با صدق و اخلاص به آنها عمل نماید و برخی از علماء، بارها حالات درونی و بیماری های درونی را با آن معالجه نموده اند و از آن سود فراوان برده اند.<sup>1</sup>

### 5- معالجه دمل و زخم

سُفیان انگشت اشاره اش را بر زمین گذاشت سپس آنرا بلند کرد و گفت: به نام خدای خاک، زمین ما با آب دهان عده ای از ما، با اذن پروردگارمان سبب شفای بیمارانمان می گردد و پیامبر صهرگاه کسی اظهار درد می نمود و یا دمل و زخمی داشت به این عمل دستور می فرمود و حدیث به این معنی است که آب دهانش را بر انگشت اشاره می ریخت سپس آنرا به خاک فرو می برد و با انگشتش خاک بر می داشت و آنرا بر

1. مقدمه الوسایل المفیده، چاپ پنجم، ص 6.



- نموده است و بهتر از آن برای او خیر قرار داده است.<sup>1</sup>
- 2 هرگاه فرزند بنده ی خدا بمیرد خداوند به فرشتگانش می فرماید آیا روح فرزند بنده مرا گرفتید؟ فرشتگان می گویند؟ آری، و خداوند می فرماید: روح جگرگوشه ی او را گرفتید؟ می گویند: آری و خداوند می فرماید: به بنده ام چه گفت؟ می گویند حمد تو را به جایی آورد و طلب رجوع کرد «انا لله و...» پس خداوند می گوید برای بنده ام در بهشت خانه ای بسازید و آنرا بیت حمد بنامید.<sup>2</sup>
- 3 خداوند می فرماید: هرگاه روح برترین و محبوبترین اهل و خانواده ی بنده ام را بگیرم و او به آن رضایت نماید جز بهشت برای او جایگاهی نیست.<sup>3</sup>
- 4 و پیامبر به مردی که پسرش مرده بود فرمود: «أَلَا تَحِبُّ أَنْ لَا تَأْتِيَ أَبَا مَنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ إِلَّا وَجَدَتْهُ يَنْتَظِرُكَ» آیا دوست نداری که به یکی از ابواب بهشت بیایی و بچه ات را بیابید که در انتظار توست.
- 5 هرگاه بنده ام را به دو حربه اش (چشمانش) ابتلا کردم و او صبر نماید و [رضایت داشته باشد] به جای چشمانی که از او گرفته ام بهشت را به او می دهم.<sup>4</sup>
- 6 هر مسلمانی به بیماری یا چیز دیگری گرفتار آید [و شکوه ننماید] خداوند

1. مسلم، 633/2.

2. ترمذی، صحیح الترمذی، 298/1.

3. بخاری، مع الفتح الباری، 242/11.

4. بخاری مع الفتح الباری، 10 / 116

- همچنانکه درخت برگهای خود را می ریزد  
گناهان وی را از بین می‌برد.
- 7 هر مسلمانی اگر خاری به بدن وی فرو رود  
به وسیله آن برای وی درجه و ثوابی مکتوب  
می‌گردد و به سبب آن گناهی از او می‌زداید.
- 8 خستگی و درد و بیماری و اندوه و حتی  
غصه‌ای که باعث دل‌تنگی او می‌شود هرگاه بر  
انسان مؤمن عارض گردد خداوند به سبب آن  
گناهان وی را پاک می‌گرداند.
- 9 جزرگی جزا و پاداش به نسبت بزرگی بلا و  
آزمایش است و هرگاه خداوند بخواهد قومی  
را دوست بدارد آنان را ابتلا می‌نماید پس  
هر کس رضایت نشان داد رضایت خداوند برای  
وی حاصل گردد و هر کس اظهار نارضایتی  
نماید خشم خدا برای او حاصل می‌گردد.

#### 7- درمان غصه و اندوه

- 1 هرگاه بنده‌ای به غصه و اندوه گرفتار آید  
و دعای (زیر را) بخواند خداوند حزن و غصه  
را از دل او زدوده و به جای آن مسرت و  
شادی به وی عطا نماید: «خدایا من بنده تو  
و پسر بنده تو و پسر کنیز تو پیشانیم در  
دست قدرت توست حکم تو در باره من قطعی و  
قضاوتت در مورد من عادلانه است و ترا به  
هر نامی که خود را به آن خوانده‌ای و یا  
در کتابت نازل کرده‌ای و به هر کدام از  
بندگان تو قرا داده‌ای و در علم غیب نزد خود  
گذاشته‌ای از تو می‌خواهم که قرآن را بهار

دلم گردانی و آنرا نور سینه ام و سبب  
 زدودن حزن و اندوهم گردانی»<sup>1</sup>.  
 2 خدایا من از غصه و اندوه و ناتوانی و ضعف  
 و بخلورزی و ترسوئی و کجی در دین و چیره  
 شدن مردمان بر خود به تو پناه می‌آورم.<sup>2</sup>

### 8- درمان سختی و فشار

- 1 معبود به حقی جز خداوند بزرگ ، بردبار  
 نیست، معبودی جز خداوند پروردگار عرش ،  
 والا نیست، معبودی جز خداوند پروردگار  
 آسمانها و پروردگار زمین و پروردگار عرش  
 والا و عالی مرتبه نیست.<sup>3</sup>
- 2 خدایا به رحمت تو امی‌دوارم لحظه‌ای مرا به  
 نفسم وامگذار و تمام حالاتم را اصلاح نما  
 معبود بحقی، جز تو نیست.<sup>4</sup>
- 3 معبود به حقی جز تو نیست، منزه و پاکی و  
 من از ستمکارانم.<sup>5</sup>
- 4 خداوند پروردگارم است و برای او انبازی  
 قرار نمی‌دهم.<sup>6</sup>

### 9- درمان و معالجه مریض برای خود

1. احمد، 391/1 و آلبنی آنرا صحیح دانسته است.
2. بخاری، 158/7، پیامبر این دعا را زیاد تکرار  
 می‌کرد، نگاه : فتح‌الباری، 173/11.
3. بخاری، 154/7 و مسلم، 2092/4.
4. ابوداود، 324/4 و احمد، 42/5، آلبنی و عبدالقادر  
 ارنووطی آنرا صحیح دانسته‌اند.
5. ترمذی، 529/5، و حاکم و ذهبی، 505/1، نگاه :  
 صحیح‌الترمذی، 168/3.
6. ابوداود، 87/2، نگاه : ابن ماجه، 335/2.

«بر روی قسمتی که درد و الم دارد دست بگذارید و بگو: «بِسْمِ اللَّهِ» (سه بار) و هفت بار بگویید: «أَعُوذُ بِاللَّهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ وَأُحَاذِرُ»<sup>1</sup>.

**10- هر مسلمانی که به عبادت مریض برود و او نمرده باشد و هفت بار بگوید:** از خداوند بزرگ می خواهم ترا شفا دهد، تندرست می گردد.

**11- معالجه: اضطراب و هراس در خواب**  
«از خشم و عذاب خداوند و شر بندگان او و از وسوسه ها و تحریکات شیاطین و از اینکه نزد من حضور یابند به کلمات تامه خداوند پناه می برم.»

**12- معالجه تب**  
از پیامبرص روایت شده است که فرمود: «الْحَمِي مِنْ فَيْحٍ جَهَنَّمِ فَأَبْرِدُوهَا بِالْمَاءِ»<sup>2</sup> تب از گرمای جهنم است آنرا با آب سرد خنک نمائید.

**13- معالجه گزیدن و نیش زدن**  
1 خواندن سوره حمد همراه با جمع نمودن بزاق دهان و بر روی محل نیش تف می گردد.<sup>3</sup>  
2 خواندن سوره کافرون و مُعَوِّذَتَيْنِ با آب و نمک بر روی محل گزیده شده مالش داده می شود.<sup>1</sup>

1. مسلم، 4/1728.  
2. ابوداود، 4/12، و نگاه: صحیح الترمذی، 3/171.  
3. فتح الباری، 10.174، و مسلم، 4/1733.

**14- معالجه غضب و خشم**

درمان غضب و عصبانیت به دو صورت انجام می‌گیرد.

**طریق اول: پیشگیری**

با اجتناب از اسباب غضب می‌توان از آن پیشگیری نمود.

این اسباب عبارتند از : کبر و غرور، خودبزرگبینی، فخرفروشی، طمع ناروا، شوخی بی‌مناسبت، مسخره و مزاح و امثال اینها.

**طریق دوم: علاج غضب در هنگام وجود آن**

در چهار نوع خلاصه و محدود می‌گردد:

- 1 چنانچه جستن به خداوند از شیطان رانده شده.
- 2 وضوء گرفتن.
- 3 تغییرحالت و موقعیتی که فرد خشمگین بر آن قرار گرفته است. مثلاً با نشستن و یا دراز کشیدن و یا بیرون رفتن و یا با قطع کردن سخن حالت خود را تغییر دهد.
- 4 آنچه را که درباره ثواب و جزای خشم فرو خوردن در متون دینی آمده است و آنچه را که درباره عذاب و خواری خشم آمده است به یاد بیاورد.<sup>2</sup>

**15- معالجه با سیاهدانه**

1. طبرانی در صحیح الصغیر، 830/2، نگاه :
- مجمع الزوائد، 111/5.
2. آفات اللسان، ص 110-112، و الحکمة فی الدعوة إلى الله، ص 64-66، از نویسنده.



پیامبر ص فرموده است: «إِنَّ فِي الْحَبَّةِ السَّوْدَاءِ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِلَّا السَّامَ» در سیاهدانه بهبودی هر درد و بیماری هست جز مرگ نباشد.

### 16- معالجه با عسل

1 خداوند در قرآن درباره زنبور عسل می‌فرماید:

رُزِّقْنَا نَحْمًا مَدِينًا هَذَا هَدَىٰ رَبِّي لِيَعْلَمَ مَا أَلْبَسَ بِيَوْمَئِذٍ  
«از درون زنبورها عسل، مایعی بیرون می‌تراود که رنگهای مختلفی دارد که در این بهبودی مردمان نهفته است».

و از پیامبر ص روایت شده است که فرموده است:

«الشفاء في ثلاث: في شربة محجم، أو شربة عسل، أو كية بنار، وأنا أنهى أمتي عن...»<sup>1</sup>

«در سه چیز شفاء و بهبودی یافت می‌گردد؛ در خون گرفتن با حجامت، عسل، داغ کردن با آتش، و من امتم را از داغ نمودن نهی می‌نمایم».

### 17- معالجه با آب زمزم

1 از پیامبر ص روایت گردیده است که درباره آب زمزم فرموده است: «اب زمزم مبارك است همانا آن خوراك خوشمزه ای و شفای بیمار است».<sup>2</sup>

1. فتح الباری، 137/10، نگاه : در فوائد العسل زاد المعاد، 62-50/4.

2. مسلم، 1922/4، مجمع الزوائد، 286/3.



- خداوند و رضایت او بچرخد<sup>1</sup>، از خداوند متعال چنین قلبی را خواستاریم.
- 2 قلب میّت: برعکس قلب سلیم است و آن قلبی است که پروردگار خویش را نمی شناسد و براساس امر و حب و رضایت خداوند عبادت نمی‌نماید و بلکه با آرزو و شهوات خود در برابر خداوند ایستاده است و برای غیر خداوند پرستش می‌نماید و حب و خوف و امیدش برای غیر خداست و اگر دوست بدارد برای آرزو و هوای نفسانی خود می باشد و بغض و عطاء و منع وی برای هوای نفسانی است و هوی و آرزو پیشرو و قائد وی می باشند و سوق دهنده وی به سوی انجام عمل جهل است و مرکب وی غفلت است، از این نوع قلب به خداوند پناه می‌بریم.
- 3 قلب مریض: قلبی است که دارای حیات است و از آن طرف نیز بیمار است و دو چیز هر کدام به نوبه خود او را به طرف خویش می‌کشانند، از طرفی محبت خدا و ایمان و اخلاص و توکل بر خداوند در آن یافت می شود و آن هم ماده حیات آن است و از طرف دیگر محبت شهوات حسد و غرور و خودبزرگ بینی نفاق و ریاء و بخل را داراست و آن ماده و عامل هلاک و ضایع شدن آنست.
- و علاج قلب از تمام بیماری ها قرآن آنرا بیان کرده است و می‌فرماید:
- ﴿ثُمَّ لَمَّا دَخَلُوا مَدْيَنَ وَرَجَعُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ آلِهِمْ مَكْتُمِينَ بِالْحَدِّ ۖ وَرَأَوْهُم كَوَافِرًا ۗ فَضَحِكُوا رَبَّنَا إِنَّا أَلَمْنَا لَمَّا كَانَتْ أُمَّةً لَّكِنَّا مُبْتَلَىٰ ۚ إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ۗ﴾
- ۵۷
- ۸۲

1. نگاه : إغاثة اللفهان من مصائد الشيطان، ابن القيم الجوزیه، 7/1 و 73.



ب) پیشگیری از عوامل مضر و آن هم نیز با اجتناب از معاصی و انواع مخالفت با قانون خداوند انجام می‌گیرد.  
ج) خود را تخلیه نمودن از اخلاق و خصوصیات فاسده و آن نیز با توبه و استغفار حاصل گردد.

3 علاج بیماری قلب از چیره شدن نفس بر آن :  
دارای دو علاج است ی کی؛ محاسبه و حسابرسی نفس، دوم؛ مخالفت با آن و محاسبه نیز دو نوع است:

الف) نوعی از محاسبه قبل از انجام عمل است و آن هم دارای چهار قسم است:

1 آیا این عمل بر او مقدور و ممکن است؟  
2 آیا انجام این عمل از ترک آن بهتر است؟

3 آیا هدف از انجام این کار رضایت خداوند است؟

4 آیا در این عمل کسی او را یاری و نصرت می‌نماید اگر چنانچه نیاز به یاری و کمک دیگران بود؟ اگر جواب سؤالهای فوق مثبت بودند فرد خود را بر انجام آنها اقدام نماید و در غیر این صورت نباید به انجام آنها بپردازد.

ب) نوع دیگر از معالجه قلب از چیره شدن نفس بر آن بعد از انجام عمل درمان می‌گردد و به سه طریق انجام می‌پذیرد.

1 محاسبه و حسابرسی نفس بر طاعت و رعایت حق الله که در آن قصور ورزیده و به نحو مطلوب آنرا انجام نداده باشد و حقوق خداوند عبارتند از : اخلاص،

- متابعه، شکر نعمت، درک احسان و نیکویی، و . . . .
- 2 محاسبه نفس بر هر ک رداری که ترک آن از انجام آن بهتر باشد.
- 3 محاسبه نفس بر امر مباح و یا معمولی که آنرا انجام نداده باشد و آیا هدف از ترک آن خدا و قیامت بوده است تا بهره‌مند گردد یا هدف وی در ترک آن دنیوی بوده است و ضررمند گردد.
- خلاصه اینکه نفس خود را بر انجام فرائض محاسبه نماید و اگر در آن قصور ورزیده است آنرا کامل گرداند، و بعد از آن بر ترک مناهای نفس خود محاسبه نماید و اگر مرتکب گناه شده است با توبه و استغفار آنرا جبران نماید و سپس نفس را بر آنچه که با جوارح انجام داده محاسبه نماید و در آخر آنرا بر غفلت محاسبه نماید<sup>1</sup>
- 4 درمان و معالجه بیماری قلب از استیلاى شیطان بر آن : شیطان دشمن انسان است و جدایی از او با استعاذه ای که خداوند مشروع نموده است ممکن می‌گردد و پیامبر ص در روایت زیر استعاذه از شر نفس و شر شیطان را کنار هم و با هم جمع نموده است، و به ابوبکر صدیق می‌فرماید: «بگو خدایا ای خالق آسمانها و زمین، ای آگاه به غیب و شهادت، ای پروردگار و مالک تمام اشیاء، گواهی می‌دهم که معبود بحقى جز تو نیست، از شر نفسم و از شر شیطان و شرک او و اینکه بر نفس خود دچار بدی‌گردم و یا به

1. إغاثة اللفهان، ابن قیّم الجوزته، 131/1.

مسلمانی بدی وارد نمایم به تو پناه  
می‌آورم. این دعا را هنگام صبح و شب و  
هرگاه به رختخواب رفتی بگویند.<sup>1</sup>  
استعاذه، توکل، اخلاص از چیره شدن شیطان  
ممانعت می‌نمایند.<sup>2</sup>

و صلی الله و سلم علی عبده و رسوله محمد و علی  
آله و أصحابه أجمعین و من تبعهم بإحسانٍ إلى یوم  
الدین

---

1. ترمذی و ابوداود، نگاه : صحیح الترمذی، 142/3.

2. إغاثة اللفهان، 162-145/1.